

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

انجنیر محمد هاشم رائق
ورجنیا- اضلاع متحدہ امریکا
25 جولای 2011

مخمس بر غزل شاعر توانا محترم تیمورشاه "تیموری"

شعلہ سوزنده

در قسمت ما بود که این جور و جفا کرد
تقدیر بیاورد و حوالت به خدا کرد

وین سوزش دل عاقبت کار چها کرد
تا آتش دل شعلہ سوزنده بپا کرد

درد و غم عالم همه در قسمت ما کرد

عشقی که ز دل خاست و هم رشته جان بود
این قلب ستمدیده چو بلبل به فغان بود

بی تابی دل قصه پیدا و نهان بود
آن طره پیچیده که دل بسته بدان بود

دیگر به چه نازیم که از ناز رها کرد

زاهد که به محراب بصد ناز و ادا گفت
بر دیگری جز خود، سخن ناسزا گفت

و آن ناله تکبیر نه از ترس خدا گفت
مرشد که بهر لحظه دوصد ورد و ثنا گفت

مکر و فن و تزویر به گمراهی ما کرد

آن کاهن مفسد که نه شرم و حیا داشت
در خلوت شب دست بهر گونه گنا داشت

این مفسد فی الدهر نه ترسی ز خدا داشت
شیخی که بکف سبحة و بر دوش عبا داشت

خوش مشغله ای بود که در زیر قبا کرد

دلبر که ازین منزل و ماوا به گذر شد
بیچاره دل رائق پر از سوز و شرر شد

بس ناله و زاری که بهر شام و سحر شد
تیمور که ز درد دل عشاق خبر شد

با هر که خبر نیست ره خویش جدا کرد